



انتصاب رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها

پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری صورت گرفت
آیت‌الله خامنه‌ای مقام معظم رهبری طی حکمی
حجت‌الاسلام مصطفی رستمی را به عنوان رئیس
نهاد نمایندگی در دانشگاه‌ها منصوب کردند. متن
حکم مقام معظم رهبری به این شرح است...

صفحه ۲

سه‌شنبه ۱۳ شهریور ۱۳۹۷ ۲۳ ذی‌الحجه ۱۴۳۹ ۴ سپتامبر ۲۰۱۸

تنترها

دفاع اصولگرایان از پلاکارد تجمع جنبالی قم ادامه دارد

حمید روحانی: شما از مرحوم هاشمی بالا تر نیستید

صفحه ۲

کاری که هیچ رئیس جمهوری نتوانست انجام دهد

صفحه ۱۳

نرخ دلار و بهای سکه رکورد شکست

حفظ ذخایر ارزی با ضرب گرانی

صفحه ۴

باهر:

عبور از روحانی بحران‌زاست

صفحه ۲

در گفت‌وگو با «شرق» مطرح شد

روایت سپنتا نیکنام از زرتشتی‌های یزد

صفحه ۱۲

حرف اول

راهی برای مدیریت جهش نرخ دلار

بایزید مردوخی . اقتصاددان



در شرایط فعلی بهترین راهکار برای رفع مشکلات دولت و ایجاد ثبات اقتصادی برای مردم، به‌ویژه افشاری که درآمد ثابتی دارند، هدایت نقدینگی سرگردان به بخش‌های مطمئن اقتصادی مثل سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نیمه‌تمام عمرانی است. این روزها درباره هجوم احتمالی مردم به سایت فروش خودروسازان در صورت پیش‌فروش و هجوم به‌سوی سکه و دلار برای تبدیل ریال به کالا، نگرانی‌های زیادی مطرح است. این اتفاق ریشه در یک مسئله دارد؛ بهمن نقدینگی در اقتصاد به گردش درآمده و به بازارهای سوداگری مثل ارز و سکه روی آورده است. این نقدینگی به‌طور متناوب از بازارهایی مثل سکه و طلا به سمت بازارهایی مانند دلار و سایر ارزها حرکت کرده و بخشی از آن نیز از بازار دلار به سمت بازار مسکن و زمین حرکت کرده که در کنار نبود عرضه لازم، جهش قیمتی در بازار را در پی داشته است. این همان نقدینگی سرگردانی است که اگر بتوان برای آن، مقصدی مطمئن پیدا کرد که در سرمایه‌گذاری‌ها و سپرده‌گذاری‌ها مشارکت داده شوند، شاید بتوان بخشی از مشکلات موجود را برطرف کرد. می‌دانیم در شرایط موجود کشور و مسائل سیاست خارجی ایران و درگیری با ترامپ، نمی‌توان از منابع دولت، سقف لازم را به حوزه عمرانی تزریق کرد، چراکه برای پروژه‌های نیمه‌تمام، منابع بزرگی مورد نیاز است. با توجه به درآمدهای نفتی و مشکلات بدی‌های دولت بعد است دولت به‌تثبالی بتواند از پس تعهدات پروژه‌های عمرانی برآید. آنچه مشکلات بیشتری را متوجه دولت و پروژه‌های عمرانی می‌کند، آن است که با هجوم سرمایه‌های سرگردان به بازارهای سوداگری، سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی به حداقل می‌رسد و مانعی برای توسعه اقتصادی به شمار می‌رود. این مسئله می‌تواند با سودده‌کردن واگذاری‌ها و البته واگذاری به بخش خصوصی واقعی و نه رانتی، حل شود و سرمایه‌گذاری در کشور، از سوداگری به سمت بخش‌های مولد حرکت کند. درباره دلار هم می‌توان با چند پژوهش دقیق و بی‌طرفانه، ریشه وضعیت به‌وجودآمده شناسایی کرد. آیا این وضعیت به این دلیل پیش آمده است که افرادی ریال دارند و می‌خواهند آن را به دلار تبدیل کنند و در نتیجه فشار تقاضا سبب شده است که قیمت ارز بالا برود؟ برخی از جذب نقدینگی ارزی مردم در بانک‌ها به‌عنوان یک راهکار سخن می‌گویند.

ادامه در صفحه ۴



سخنگوی وزارت امور خارجه:

به‌خاطر منافع ملی مجبور به سکوت هستیم

گروه سیاست: «مردم باید با یک «نه» بزرگ، از حضور دوباره این افراد در مجلس جلوگیری کنند»؛ این جمله را غلامعلی جعفرزاده‌ایمن آبادی، نماینده رشت درباره کریمی قدوسی گفته است. نماینده مشهد در مجلس که در جلسه سؤال از وزیر خارجه اتهاماتی...

صفحه ۱۵

سال شانزدهم شماره ۳۲۳۶ ۱۶ صفحه ۲۰۰۰ تومان

سرمقاله

اروپا در چالش سرنوشت برجام و ترامپ

سیدعلی خرم . استاد حقوق بین‌الملل



با روی کار آمدن دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۷، موجی از معضلات متعدد و گوناگون، پهنه جهان را دربر گرفت. ابتدا جهان حرکات عجیب‌وغریب ترامپ را فقط به پای بی‌تجربگی و خودشیفته‌بودن او گذاشت ولی کم‌کم همگان متوجه شدند در کنار این خصوصیات، عده‌ای تندرو در آمریکا دارند نظام فکری دونالد ترامپ را شکل می‌دهند و هدایت می‌کنند. این مکتب فکری، ساده‌انگارانه درصد فروریختن نظم جهانی برآمده است که پیشینه آن به سال ۱۹۴۵ و پایان جنگ دوم جهانی می‌رسد و در نگاه کلان، برای احترام به تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشورهای عضو جامعه بین‌المللی، به کنفرانس وستفالی در قرن هفدهم برمی‌گردد. در پرتو همین دو پیشینه بود که جهان سعی کرد صلح و امنیت را به‌ویژه بعد از جنگ دوم جهانی یعنی به مدت ۷۳ سال حفظ کند. اگر چه در دوران اتحاد جماهیر شوروی، جهان، دوقطبی اداره می‌شد ولی با فروپاشی شوروی، ابتدا حرف‌وحديث راجع به نحوه اداره جهان و «پایان تاریخ» مطرح شد ولی خیلی زود صاحب‌نظران و سپس رهبران آمریکا متوجه شدند به تئهایی قادر نیستند جهان را اداره کنند و باید در یک تعادل چندقطبی ولی به رهبری آمریکا به اداره جهان بپردازند. در این سه دهه رؤسای جمهور آمریکا تلاش کرده‌اند رهبری آمریکا را در همین سطح حفظ کنند تا اینکه سروکله ترامپ پیدا شد و مکتبی در آمریکا پشت سر او گرد آمد تا آمریکا جهان را نه چندقطبی بلکه به صورت تک‌قطبی اداره کند. اگر ترامپ بر موج بسیاری از مسائل جهان سوار می‌شد و با امکانات عظیم آمریکا، گوی سبقت را از سایر قدرت‌ها می‌ربود، شاید در اداره جهان به صورت تک‌قطبی تا حدودی موفق می‌شد ولی به خاطر همان بی‌تجربگی و خودشیفتگی، راه تخریب ساختار و نظام بین‌المللی را در پیش گرفت و تصور داشت برای سال‌ها در عرصه سیاسی باقی خواهد ماند تا پس از تخریب، به بازسازی جهان به نحوی که مایل است، بپردازد. تجربه تخریب عراق و موفق‌نبودن آمریکا در بازسازی آن که تاکنون ۱۶ سال طول کشیده، شاهد این افتکار است که تخریب، ساده و کم‌مدت است ولی بازسازی بسیار گران و زمانبر است و مدیریت قوی و همه‌جانبه می‌خواهد. این وضعیت ترامپ، بیش از همه، متحدان اروپایی را متاثر و متالم کرده زیرا اروپایی‌ها برای ۷۰ سال عادت کرده بودند در کنار آمریکا و حتی پشت سر این کشور در عرصه اقتصاد، سیاست، امنیت و نظامی ظاهر شوند و نقش برادر بزرگ او را پذیرفته بودند. اما دونالد ترامپ آشکارا سیاست خود را در جهت فروپاشی اتحادیه اروپا اعلام کرد و امانوئل مکرور را رسماً تشویق کرد از اتحادیه اروپا خارج و با آمریکا متحد شود. همچنین از تلاش‌های خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا حمایت و از تاخیر خانم ترزا می در خروج از این اتحادیه انتقاد کرد تا جایی که در آستانه سفر رسمی خود به بریتانیا، از یورپس جاسون وزیر خارجه مستعفی انگلیس که از رهبران معتقد به خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا به‌شمار می‌رود، در مقابل ترزا می، حمایت رسمی کرد که این میزبان‌نوازی در جهان عجیب و بی‌نظیر است! اکنون اروپا دریافته دشمن اصلی وحدت و یکپارچگی اروپا همانا دونالد ترامپ است و اگر در بچند، ترامپ بقیه ساختارهای اروپا و جهان را ویران می‌کند. اما اروپا هنوز با تصمیم‌گیری و برداشت کام‌های اساسی در مقابل ترامپ فاصله دارد زیرا نمی‌داند آیا ترامپ با اقتضای که در همکاری مخفی با روسیه در انتخابات به بار آورده، کاماکان بر مسند قدرت باقی خواهد ماند یا توسط مجلسین نمایندگان و سنا استیضاح خواهد شد؟

ادامه در صفحه ۴

حسین مرعشی، سخنگوی حزب کارگزاران سازندگی:

اگر هاشمی زنده بود حریف روحانی نمی‌شد

صفحه ۶

یادداشت

فرصت‌هایی که باقی مانده‌اند

تبعیض و نبود شایسته‌سالاری، تلاش برای رانت‌طلبی و نابرابری، سم مهلک نشاط عمومی است. باید مردم را از هر ایده و عقیده و قوم و مذهب، صاحب ایران دانست؛ یعنی حق انتخاب مردم محفوظ و فرصت تغییر و چرخش زمامداران فراهم شود و از امکانات عمومی نه در خدمت حزب و قبیله خاص که در راستای تمشیت زیست شایسته همگانی بهره گرفته شود. سیاست خارجی ایران ظرفیت آن را دارد که برای بهترشدن وضعیت مردم و ارتقا و بازیابی اعتبار و حیثیت مردم به کار گرفته شود. نباید فرصت‌های بین‌المللی را ضایع کرد. در همین راستا باید از خبرنگار و روزنامه‌نگار و ناشر حمایت شود تا آگاهی‌افزایی، گردش آزاد اطلاعات و شفافیت در کشور نهادینه شود. باید مدیریت را پشت دیوار شیشه‌ای به شیوه‌ای قرار داد که مردم محرم تلقی شوند. همین چرخش، کم دستاوردی است؟ دولت می‌تواند همچنان مؤثر عمل کند. اگر تکلیف شرکت‌های شبه‌دولتی که عامل انحصار و مفسده هستند، یکسره شود، کم اتفاقی است؟ اینکه مناسبات رانت‌جویانه و ناشفاف و خلوت‌کده‌های ذی‌نفعان سوداگری که منافع ملی را قربانی مقاصد فردی و مفسده می‌کنند، جمع شود کم موهیتی است؟ بازکردن فضای رقابت برای بخش خصوصی و حذف رقیبان ناهممدل و دلالت مخل تولید ملی و شکوفایی و رونق اقتصادی که با واردات بی‌مبنا، چرخ تولید کشور را فشل کردند، کم است؟ کوتاه‌کردن سایه آنها که با تکاثر و زیاده‌خواهی و ثروت‌های رانتی یک‌شبه، وضعیت اشتغال را زمینگیر و به‌آزای برگردن جیب خود، موجبات خالی‌شدن سفره کارگران را فراهم کردند، کم دستاوردی است؟

ادامه در صفحه ۴

مصلح نقره‌کار

حقوق‌دان

عمل به وعده‌ها مهم‌ترین وظیفه یک رئیس‌جمهور است. در نگاه بخش کثیری از شهروندان که از کاستی‌های اقتصادی رنج می‌برند، گفتن از حقوق شهروندی جز یک ژست فانتزی که نمکی بر زخم نداشته‌هایشان می‌زند، بیش نیست. تأمین امنیت، تقویت آزادی‌های مصرح در قانون، مبارزه با فساد موردی یا سیستماتیک در شریان‌های مختلف، تضییع بیت‌المال، شنیدن صداهای منتقد حتماً وعده‌هایی هستند که از یاد برده‌ایم. داشتن غم نان و آبروی مردم، کوتاه‌کردن دست ناپاکان در جیب بیت‌المال، حفظ حقوق بیوه‌زنان، یتیمان و محرومان، برخورد با مدیران بی‌انگیزه و ناتوان در شرایط عسرت بخش عظیمی از مردم، موضوعی است که نیازمند شفاف‌سازی در نظام تصمیم‌سازی کشور است. براساس قانون و مردم‌سالاری، مسئولان در همه سطوح باید خود را پاسخ‌گو و مسئول بدانند. به جای سیاه‌نمایی دوران گذشته و مشغول‌شدن در عیب‌جویی قدما، به فکر کار ایجابی و بازکردن گره‌ها و به جلو هدایت‌کردن کشتی توفان‌زده در دوران متلاطم باشند. با سامانه شفافیت و پاسخ‌گویی به مردم، مصائب زیرپوستی به دقت رصد می‌شود و با کمک‌گرفتن از افکار عمومی که در رسانه‌های اجتماعی و فضای رسمی جامعه حضور دارند، می‌توان بی‌رودریاستی به فکر اتخاذ راه‌حل مؤثر بود.

منافع ایران یا منافع بازیگران غرب و شرق؟

روسیه در این وضعیت از ایران استفاده تجاری می‌کند و نهایتاً به دلیل همسویی با برخی مواضع و منافع غرب و آمریکا امتیازاتی دریافت می‌کند. آل سعود نیز در دو سال گذشته به مذاکراتی با روسیه پرداخته تا شاید بتواند با امتیازات مالی و اقتصادی، مسکو را جذب یا موضع آن را تعدیل کند. روسیه از ابتدای آغاز بحران سوریه بر لزوم توسل به راهکار سیاسی برای پایان‌دادن به آن اصرار داشته و در حال حاضر نیز با توجه به نزدیکی به خاتمه مسئله، بی‌تمایلی به توافق با آمریکا در این خصوص برای پیشبرد راه‌حل سیاسی نیست. عربستان نیز سعی در متعادل‌کردن مواضع روسیه دارد تا شاید بتواند نافرجامی که در سوریه به وجود آمده را تغییر دهد و خط مشی خود را به پیش برد. حال اینکه تا چه اندازه در این مذاکرات با روسیه موفق بوده، باید منتظر بود. ایران باید توجه کند روس‌ها به شکل سنتی اهل دادوستد هستند. ایران از نگاه غرب، در میان رقبای آنها یعنی روسیه، چین و هند قرار گرفته است. ایران مقتدر تا حدودی می‌تواند نقش تعدیل‌کننده را در نگاه شرق و غرب به هم داشته باشد و این موضوعی است که اواماً به دنبال آن بود. فراموش نکنیم در زمان تحریم‌های دوران احمدی‌نژاد، روسیه، چین و هند قبول داده بودند فقط به تحریم‌های شورای امنیت پایبند باشند و به تحریم‌های یک‌جانبه مضاعف آمریکا و اروپا نپیوندند اما در عمل اتفاق دیگری افتاد. چین، ژاپن، هند و کره‌جنوبی در تبادلات اقتصادی با ایران به جای پرداخت ارز، به تهاوت کالا تمایل نشان دادند. هند کالاهای تولید خود را به ایران می‌داد یا بهای نفت خام ایران را با روییه پرداخت کرد. این کشورها تنفس ارزی ایران را بلوکه کردند. به عبارتی در حالی که قبلاً گفته بودند ما به تحریم‌های یک‌جانبه پایبند نیستیم اما آنها زیرکانه دقیقاً همان تحریم‌های یک‌جانبه را اعمال به نفع خودشان استفاده کردند. ایران باید بداند فقط با حفظ موازنه متصفانه در دیپلماسی خود با غرب و شرق می‌تواند منافع ملی ایرانیان را حداکثری کند. منافع آمریکا و اروپا در وجود یک قدرت مستقل اقتصادی - سیاسی به نام ایران در منطقه خاورمیانه است تا هم‌زمان چین، هند و روسیه را نیز متعادل کند. اگرچه اختلافات جدی میان ایران و غرب وجود دارد اما از منظر جغرافیایی - تاریخی به نفع غرب است که ایران قدرت برتر منطقه باشد؛ این مسئله‌ای است که چین و روسیه به خوبی به آن پی برده‌اند.

یادداشت

داوود هرمیداس‌باوند

استاد روابط بین‌الملل



در دو دهه اخیر در هر مقطعی که رابطه ایران با غرب و به‌ویژه با آمریکا از شرایط پرتنش به سمت احتمال گفت‌وگو یا انجام رسمی مذاکره رفته، آرایش کشورهای دیگر در قبال ایران تغییر کرده است. به‌عنوان نمونه کشورهای عرب منطقه خلیج فارس اگر چه از این اتفاق بسیار ناخرسند شده‌اند؛ اما تمایل آنان به نزدیکی با ایران افزایش می‌یابد. از دیگر سو در بازه‌های زمانی که رابطه ایران و آمریکا به تیرگی گرایده است، عرب‌ها خوشحال‌تر و در مواضع خود در مقابل ایران جسورتر می‌شوند. حل مشکلات برخی از کشورهای عربی با ایران، تابع این اتفاق بوده است. به معنای روشن‌تر، بهبود مناسبات ایران با غرب معمولاً به تلطیف فضا برای حل مسائل منطقه خاورمیانه انجامیده که دوران اصلاحات و چند مقطع در دولت روحانی، نشانگر آن است. حقیقت آن است که کشورهای عربی همواره دعوت‌کننده قدرتهای فرامنطقه‌ای به خاورمیانه و خلیج فارس هستند. روزگاری بریتانیا این نقش را عهده‌دار بود. حتی زمانی که انگلستان اعلام کرد از سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۱ از شرق سوئز از جمله خلیج فارس به دلیل مشکلات مالی خارج خواهد شد، برخی از کشورهای عربی اعلام کردند حاضرند هزینه‌های مالی آنها را تأمین کنند تا انگلستان در منطقه بماند. قراردادهای سنگین عربستان با آمریکای ترامپ را هم باید در همین راستا ارزیابی کرد. پس از آنکه انگلستان خارج شد، اعراب منطقه به دنبال این بودند که ایالات متحده به عنوان قدرت فرامنطقه‌ای با موانع و کارشکنی‌هایی در این خرید سلاح‌های پیشرفته سعی کردند به این امر کمک کنند. این رویکرد درست در نقطه مقابل نگاه جمهوری اسلامی است. تغییر رابطه ایران و غرب و حل مشکلات از طریق دیپلماسی به دلیل آنکه منافع روسیه در این میان به خطر خواهد افتاد، با موانع و کارشکنی‌هایی در این بخش هم مواجه می‌شود. مشکلات و اختلافات تهران - واشنگتن، روسیه را برای بازی با کارت ایران مطمئن خواهد کرد. به معنای روشن‌تر، روسیه در قبال اقداماتی که در سوریه، منطقه و شورای امنیت انجام می‌دهد، از ایران و آمریکا و حتی عربستان و اسرائیل امتیازاتی می‌گیرد.

همراهان امروز روزنامه شرق

رجوع به صفحه آخر

رجوع به صفحه ۳



رجوع به صفحه ۱۵

سازمان آگهی‌ها

۸۸۷۹۲۲۸۷۷ - ۸۸۷۹۲۴۳۴

